



کاش وقتی بیست ساله بودم می دانستم

دوره‌ای فشرده برای یافتن
جای خود در دنیا

تینا سیلیگ
ترجمه‌ی مینا صفری

ویراست ۲۰۱۹
محتوای به‌روز شده
همراه با چند فصل جدید



ketabTala

کاش وقتی بیست ساله بودم می دانستم



سرشناسه: سیلیگ، لینا لین Seelig, Tina Lynn

عنوان و نام پدیدآور: کاش وقتی بیست‌ساله بودم می‌دانستم؛ نوشته‌ی لینا سیلیگ؛ ترجمه‌ی مینا صفری.

مشخصات نشر: میلکان، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۱۹۹ س.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۵۷۳-۱۴-۲

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

عنوان اصلی: What I Wish I Knew When I Was 20 - 10th Anniversary Edition, 2019

موضوع: کارآفرینی- نوآوری، اخلاقیات

شناسه‌ی افزوده: صفری، مینا - مترجم

رده‌بندی کنگره: ۶۸۹۳۱ / ۵ / ۱۰۳۷۷۷ / ۱۱۳

رده‌بندی دیوئی: ۳۷۰ / ۱۱۳

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۵۶۳۳۸۲۷

کاش وقتی بیست ساله بودم می دانستم
دوره‌ای فشرده برای پیدا کردن جای خود در دنیا

تینا سیلیگ
ترجمه‌ی مینا صفری



نشر میلکان

کاش وقتی بیست ساله بودم می دانستم
دوره ای فشرده برای پیدا کردن جای خود در دنیا

تینا سیلیگ

ترجمه‌ی مینا صفری

ویراسته‌ی پوریا محمودی

بازخوانی امیر هوشنگ توکلی

مدیر تولید: کاوان بشیری

صفحه‌آرایی و آماده‌سازی: واحد تولید کتاب میلکان

چاپ پنجاه و نهم، ۱۴۰۱

تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۵۷۳-۱۲-۲



نشر میلکان

www.Milkan.ir

info@Milkan.ir

پیش گفتار. ۹

فصل اول: یکی بخر، دو تا بخر. ۱۱

فصل دوم: سیرک وارونه. ۲۳

فصل سوم: یا لباس شنا یا مرگ. ۳۹

فصل چهارم: لطفاً کیف پول تان را دریاورید. ۵۵

فصل پنجم: چاشنی اسرارآمیز سیلیکان ولی. ۶۹

فصل ششم: تلاطم پیش رو. ۷۹

فصل هفتم: به هیچ وجه... مهندسی مال دخترهاست. ۹۳

فصل هشتم: تبدیل لیموناد به هلیکوپتر. ۱۰۷

فصل نهم: زرنگ هستید یا درستکار. ۱۲۷

فصل دهم: هدف را دور تیر نقاشی کنید. ۱۴۱

فصل یازدهم: این هم در امتحان می آید؟ ۱۴۹

فصل دوازدهم: یافته‌های تجربی. ۱۶۳

نامه‌ی نویسنده. ۱۷۷

قدردانی. ۱۸۱

یادداشت‌ها. ۱۸۵

درباره‌ی نویسنده. ۱۹۱

نامه‌هایی از طرف خوانندگان کاش وقتی بیست‌ساله بودم می دانستم. ۱۹۲

بی‌نوشت‌ها. ۱۹۵

پیش‌گفتار

به خاطر انتخاب این کتاب از شما بسیار متشکرم. افتخار بزرگی است که می‌توانیم نسخه‌ی به‌روزشده‌ی کاش وقتی بیست‌ساله بودم می‌دانستم را در اختیار شما قرار دهیم.

نسخه‌ی اصلی کتاب در بهار سال ۲۰۰۹، حوالی تولد بیست‌سالگی پسرم جاش، منتشر شد. همین‌طور که به سالگرد ده‌سالگی این کتاب نزدیک می‌شدیم، آن را دوباره خواندم. تجربه‌ی کلمات با نگاهی تازه لذت‌بخش بود و دیدن اینکه کدام مفاهیم و داستان‌ها با گذشت زمان به اعتبار خود باقی مانده‌اند، جالب بود. بیشترشان خوب بودند، اما برخی از آن‌ها تاریخ‌شان سپری شده بود. با ده سال تجربه‌ی اضافی، نسبت به زمانی که اولین نسخه را نوشتم، چیزهای بیشتری می‌دانستم. بنابراین از ناشرم خواستم که اگر ممکن است نسخه‌ی سالگرد ده‌سالگی این کتاب را بنویسم. آن‌ها هم برای خوشحالی من گفتند باشد!

ساختار این نسخه شبیه به کتاب اصلی است، به اضافه‌ی مثال‌های جدید زیادی که هم از کلاس درسم اقتباس شده و هم از نوآرانی که در زمینه‌های مختلف فعالیت می‌کنند. به‌علاوه، بسیاری از بخش‌های جدیدی را که طی دهه‌ی گذشته به دست آورده‌ام، در آن گنجانده‌ام. برای جادادن تمام مطالب جدید، دو فصل اضافی در این نسخه هست.

روی‌هم‌رفته، هدف من به عنوان مربی و به ویژه در این کتاب به عنوان عاملی انگیزشی، این است که سؤال کنم، داستان بگویم و سناریوهایی بچینم که منجر به پیش‌های غافلگیرکننده شود. در کلاس درس خودم، امیدم این است که هر دانشجو با هر تجربه تغییر کرده و احساس کند با این تمرین‌ها و مفاهیمی که ارائه می‌شود، توانمندی بیشتری پیدا می‌کند. هدف این کتاب همین است. امیدوارم بعد از خواندن

۱۰ | کاش وقتی بیست ساله بودم می دانستم | تینا سیلیگ

آن، مجموعه‌ی گسترده‌ای از ابزارهای لازم را برای دیدن و استفاده از فرصت‌های پیرامون خود به دست آورید.

این نسخه در زادروز سی سالگی جاش منتشر خواهد شد. من همیشه به خاطر الهامی که برای نوشتن این کتاب از او گرفتم، سپاسگزارم. همچنین بسیار قدردان دانشجویها و همکارانم هستم که طی این سال‌ها فرصت یادگیری در کنار آن‌ها را داشتم.

لطفاً نظرات خود را با فراغ بال با من در میان بگذارید. من از بازخوردها استقبال می‌کنم و بی‌صبرانه منتظرم از شما بشنوم که کدام‌یک از بخش‌های کتاب برای شما معنادارتر بوده است. از طریق ایمیل tseelig@gmail.com یا وبگاهم tinaseelig.com می‌توانید با من در ارتباط باشید. همچنین می‌توانید من را در توئیتر با شناسه‌ی [@tseelig](https://twitter.com/tseelig) دنبال کنید.

داستان‌های این کتاب بر این ایده تأکید دارند که با بیرون کشیدن خود از منطقه آسایش، تمایل به شکست‌خوردن، داشتن بی‌توجهی مثبت به امر غیرممکن و استفاده از هر فرصتی برای آسان‌سازی شدن، فرصت‌های بی‌حد و حصری به دست می‌آیند. به این اقدامات زندگی شما را متلاطم می‌سازند و شما را از توازن درمی‌آورند؛ اما همچنین شما را به جایگاهی می‌رسانند که حتی نمی‌توانستید تصور کنید و بیش از به شما می‌دهند که از طریق آن می‌توانید مشکلات را به چشم فرصت‌ها ببینید. از همه مهم‌تر، آن‌ها باعث رشد این اعتماد به نفس شما می‌شوند که مشکلات را می‌توان حل کرد.

کتاب کنش وقتی بیست‌ساله بودم می‌دانستم خواننده‌هایش در سراسر دنیا را به نجسم دوباره‌ای آینده‌شان نشوین می‌کند. این نسخه‌ی بازبینی‌شده و به‌روزشده حاوی مطالب تازه‌ای است.

تحول‌های بزرگ زندگی از جمله ترک محیط امن مدرسه یا آغاز کسب‌وکاری جدید ممکن است بسیار شگرف‌آور باشد. رویارویی با سد تصمیمات و آگاهی از این که کسی نمی‌تواند به‌شان بگوید که آیا تصمیم درستی می‌گیرید یا نه، ترسناک است. هیچ مسیر خط‌کشی‌شده یا دستورالعمل مشخصی برای موفقیت وجود ندارد. حتی بی‌بردن به این که چه موقع و از چه جایی شروع کنید، ممکن است چالش برانگیز باشد.

«تقریباً غیرممکن است اولین سفر کتاب دنیا میلیگ را بخوانید و سه دنبال کاغذ و خودکار نگریدید. کاغذ و خودکار برای چه؟ برای یادداشت کردن ایده‌ها و کارهای شدنی‌ای که در ذهن‌تان فوران می‌کنند... این کتاب محرکی مهیج است و سه ما کمک می‌کند رویاهایمان را دنبال کنیم.»

— روزنامه‌ی ساندا گروز سنیتیل

